

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۲۷ اپریل ۲۰۲۱

ملالی موسی نظام

هفت و هشت ثور روز های ماتم ملی ملت افغانستان

عدالت خواهی و بازخواست از جانیان ۷ و ۸ ثور به قیامت حواله گردیده است



نور محمد ترکی سردمدار کودتای خونین ثور که به دست شاگرد وفادار، حفیظ الله امین کشته شد از آغاز قرن موجوده میلادی و شکست طالبان، ملیون ها هموطن ما در هر گوشه جهان طالب و منتظر بازخواست و عدالت خواهی از مجرمین و جنایتکاران جنگ های افغانستان از هر دو عصر اشغال وطن ذریعه قوای شوروی « هفت ثوری ها » و جنگ های خونین کابل « هشت ثوری ها » بوده اند.

اما همانطوریکه شاهدیم ۲۰ سال قبل قدم کجی را که «حامد کرزی» از همان آغاز ورود به افغانستان با تکیه به جنایتکاران جنگی برداشت، آرمان توصل به عدالت اجتماعی و پیگیری جنایات بشری فجیعی را که در چنان یک خطه پاک، یعنی سرزمین مقدس افغان ها رونما گردیده بود، شخصاً پامال نموده و یک قلم به فراموشی حواله نمود. این انسان بی کفایت و ضد ملی حتی «راپور عدالت افغانستان» را که ذریعه یک کمسیون بیطرف حقوق بشر در هالند با مصاحبه با بیشتر از ۶۰۰۰ شاهد عینی در سر تا سر افغانستان تهیه گردیده بود، در طاق نسیان گذاشت و خون ملیون ها شهید جنگ های افغانستان را به گردن گرفت!

هر سال مظاهرهت بی عاقبتی از جانب هزاران عزیز از دست داده ای در کشور ترتیب داده میشود و فردای آن، روز از نو روزی از نو صدای حق طلبی به باد هوا میرود.

افغانستان یگانه مملکتی نیست که در آن جنایت کاران جنگی و مجرمین بد سابقه آزادانه و با اطمینان خاطر گشت و گزار مینمایند، ولی تنها سرزمینی هست که «تعداد کثیری» از جانیان شناخته شده که کار نامه ها و اعمال شان نه تنها به یاد و خاطر ملیون ها سکنه دردمند وطن میباشد، بلکه همه با تفصیل و استناد ثبت صفحات تاریخ کشور و جهان هم گردیده است، در مناصب عالی و مقامات بالا عز تقرر حاصل نموده اند.

با سالگرد منحوس هفتم ثور دیگری باید تصریح نمود که مصائب خانمانسوز و فجایع بشری دوره خونین خائنین و وطن فروشان «خلق و پرچم» و مارش قوای متجاوز و مخوف قوای سرخ اتحاد شوروی که منجر به شهادت یک و نیم ملیون مردم بیدفاع افغانستان، آوارگی متداوم ملیون ها بیوطن مظلوم تا امروز گردید و با انهدام هزاران قریه و ده، کشور زیبای یک ملت بی دفاع را به ویرانه رقتبار مبدل ساخت، در حقیقت بعد از کودتای بی موجب ۲۶ سرطان ذریعه پسر عم اعلیحضرت محمد ظاهرشاه برای سقوط رژیم شاهی و یک عصر گزرا پی ریزی گردید. در آن کودتای نیمه شبی که «عملاً» به یاری و همکاری گروه مکار و خیانت پیشه «پرچم» وابسته به اتحاد شوروی وقت صورت گرفت، دقیقاً پلان و قدم های بعدی حزب مذکور، آمادگی های تدریجی لازمی بود که نظر به «پلان برژنف» در آن دوره کوتاه عملاً صورت می گرفت.... دقیقاً مانند نصب «حبیب الله کلکانی» منحیث دسیسه انگلیس بعد از سقوط دوره درخشان امانی در آن عصر و زمینه سازی همکاری «مرحوم محمد داود» با پرچمیان، در عصر بعدی!

اگر تصور این بوده باشد که روسیه شوروی وقت، بعد از شش دهه تجارب و حاکمیت در قسمت بزرگی از جهان و اشغال ممالک مختلفه و تشکیل اعمار وابسته به خود، جای پای سهمگینی را که ذریعه جیره خوران «پرچمی و خلقی» سر سپرده خود با بیشتر از ۲۰ سال خدمت و وابستگی به اوامر آن ابر قدرت، در افغانستان گذاشت، بعدتر به هر دلیلی بر میدارد، خیال بود و محال بود و جنون! از اولین روز کودتای ۲۶ سرطان، نصفی از سایه شوم همسایه شمالی بر خاک پاک افغانستان آزاد و غیر منسلک، تاریکی افگند و اقدام کاملاً پلان شده بعدی که همانا «کودتای منحوس ۷ ثور» باشد، بربادی سرزمین مقدس ما و مردم مظلوم آنرا با عواقب وخیم و پیامد های ملت سوز آن، تا امروز وسیله گردید.

نتیجتاً کودتای خونین هفت ثور که منجر به کشتار های دسته جمعی و قتل عام نخبکان، اهل کسبه و درحقیقت ملیون ها بیگناه کشور ما گردید، دقیقاً ذریعه سردمداران حزب وطنفروش «دیموکراتیک خلق» سازمان دهی گردید که نه از دیموکراسی برداشتی داشتند و نه بر خلق مظلوم وطن ترحمی،

صرف یک اقلیت شرف باخته و وجدان فروخته وطنی بودند که افسار شان بدست اولیای امور «کی جی بی» و سفارت شوروی در کابل قرار داشت! به دنبال کودتا که اسم نامأنوس انقلاب بر آن گذاشتند، با اشغال خاک و سرزمین مقدس افغانستان و تاخت و تاز بی دریغ اردوی سرخ اتحاد شوروی سفاک، بزرگترین فجایع بشری بر ملت مظلوم آن فرود آمد که هزاران قریه و صد ها شهر با بمباردمان های آتشین از صفحه جغرافیای جهان ناپدید گردیدند.

نتیجتاً ملت نهایت بی دفاع و بسیار مظلوم «افغان» با تحمل درد های خانمانسوز، جنگ های خونین، از دست دادن عزیزان، آوارگی استخوان سوز و مظالم ناشی از آن، بالاخره بعد از سقوط طالبان، با امیدواری برای یک اعمار مجدد، عودت به وطن، امنیت و تشکیل یک زیربنای محکم اقتصادی و فراهم گشتن کار و عاید ملی و بالاخره در یک فضای صلح و سلم، آماده به هر نوع فداکاری و تلاش گردیدند، ولی با حضور جنایتکاران جنگی بالای قدرت، چور و چپاول دارایی های عامه و فساد وسیع اداری نه تنها اعتماد و اطمینانی برای آینده و صلح ندارند؛ بلکه با تشکیل دولت جدید و هزاران امید و آرزو، رویای تأمین عدالت و بازخواست مجرمین جنگ های مملکت شان، هم با پامال خون ملیون ها عزیز از دست داده، گویا نقش بر آب گردیده است.

بعد از شکست خفتبار اتحاد شوروی ذریعه مجاهدین واقعی و سرسپرده وطن، دردا که در سال ۱۹۹۲م - ۱۳۷۱ ه ش سرنوشت خونین کشور به دست جمعیت و اقلیت دیگری، یعنی گروه های «هشت ثور» وابسته به همسایگان غدار افتاد که به عوض ارمغان صلح و سلم، با توپ و ماشیندار به افغانستان جنگ زده و مردم بی پناه آن هجوم آورده و در صدد بدست آوردن قدرت حاکمه گردیدند.



در روز های ۷ و ۸ ثور اهالی شهر کابل برای درخواست حساب دهی جنایتکاران جنگی دست به مظاهرات میزنند
بنای مخروبه قصر باشکوه دارالامان که با راکت پرانی مسعود و گلبدین ویران گردید

تنظیم های جهادی که کاملاً عاری از ترحم انسانی و حب وطن و صداقت و بستگی به افغانستان و مردم آن بودند، در مدت کمی حتی در یکسال اول، مرتکب جنایات فجیع بشری گردیدند، مخصوصاً که با استعمال راکت و حتی توپخانه که بیشتر ذریعۀ «**احمد شاه مسعود**» قوماندان و وزیر دفاع دولت ناکام و محدود «**برهان الدین ربانی**» و جنگ سالار خون آشام و محیل دیگری که «**گلبدین حکمتیار**» باشد، بر روی سکنه بیدفاع پایتخت مبادله میگردید، کشتارگاه بیگناهان را در شهر کابل تشکیل نمودند. البته جنایتکاران جنگی دیگری چون مزاری، دوستم، سیاف و امثال شان هم در قتل و جنایات غیر قابل باور زن و مرد و کودک انسان بر انسان و هموطن بر هموطن سبقت میجستند! در پهلوی صد ها راپور و هزاران شاهد عینی، جنایات «**تنظیم های جهادی**» هم مانند اولیای امور «**حزب دیموکراتیک خلق**»، رساله مستندی از یک تشکیل بیطرف موجود است که جریانات چنین جنایات سفاکانه و خونبار بشری را در راپور نهایت مستند تهیه نموده است. این منبع حقوقی معتبر همانا «**کمیته نظارت بر حقوق بشر**» ملل متحد می باشد. راپور که تحت عنوان «**دست های آغشته خون**» از جانب مؤسسه فوق منتشر شده است، در ویب سایت آن به آسانی قابل دسترسی است. جریانات دقیقاً توسط خبرنگاران خود مؤسسه که در جنگ های کابل حضور داشتند، از همان سال اول عصر خونین تنظیم های منکر انسانیت، اسلامیت و افغانیت با تمام تفصیلات و رویداد های مهلک و غیر قابل باور و بی سابقه بیان می گردد.

دردا که بیشترین کشتار مردم بی دفاع شهر کابل منجمه «**قتل عام افشار**» که ثبت تاریخ جنایات بشری در جهان گردیده است، در همین زمان کوتاه صورت گرفت. آنانیکه معتقد به فراموشی گذشته تاریخ وطن و مردم بینوای آن هستند، معتقد به پامالی عدالت و بازخواست از جنایتکاران این سرزمین هم می باشند.

همه مربوطین «**حزب دیموکراتیک خلق**» و هواداران آن رژیم سفاک که در اطراف گروپ «**خلق و پرچم**» به خدمتگاری و عقیده مندی اشتغال داشتند و امروز بدون کمترین خجالت با شتارت در مطبوعات و وبسایت های افغانی پدیدار گردیده اند و در احوال وطن قلم فرسایی می نمایند، در حقیقت در همه جنایات بشری و حالات دردناک آوارگی ای که بر مردم نهایت مظلوم وطن عارض گردیده، شریک بود و گنهکار و سر افکنده هستند.

البته چنان است، آنانیکه پابپای «**تنظیم های سفاک جهادی**» کشور را به خون و آتش کشیدند، هرگز قابلیت عفو و بخشش را ندارند.

در جهان تعداد زیادی مجرمین جنگی و آنانیکه مانند جنایتگاران جنگ های افغانستان، بر علیه بشریت مرتکب مظالم استخوان سوز گردیده اند و در ممالک خودشان «به دلایلی» امکانات محکمه و بازخواست شان میسر نمی باشد، محکمه بین المللی «لاسه» در کشور هالند بیطرفانه و با جمع آوری اسناد و مدارک و احیاناً شهود، چنین عملیه عدالت بشری را انجام میدهد. این دستگاه عدلی جهانی که بسیار بیطرف می باشد، لست های زیادی از مجرمین جنگ های افغانستان را هم در اختیار دارد.

افسوس که عمال سخیف جنایات بشری در افغانستان هرگز به داد خواهی و عدالت کشانیده نشدند، طوریکه حتی در سالهای اخیر محکمه جهانی دیگری به فعالیت آغاز نموده است که عبارت از (I.C.C) یا محکمه بین المللی جنایات بر علیه بشریت است که با موجودیت مأمورین و حقوقدانان خبره و یک آرشیف معتبر در حقیقت جنایتکارانی را که تحت شرایط خاصی شناسایی گردیده و جرم شان ثابت است، میتواند توسط این تشکیل حقوقی بازخواست قانونی نمایند. در افغانستان که لست طویل و عریضی مطابق شرائط بازخواست و جلب محکمه این مؤسسه موجود است، از چند سال قبل حتی پیشنهاد گردیده است که خود اعضای مجرب آن میتوانند زمینه انتخاب متهمینی که سوابق شان در جدول ثبت گردیده است، مورد پیگیری و توقیف قرار گیرند. ولی دردا که حکومت پریشان حال افغانستان هنوز هم با ندانم کاری و زور و قوت آن جنایتکاران شناخته شده در دستگاه های سه گانه دولت، از ارائه کمک و سهولت به اداره محکمه بین المللی جنایات بر علیه بشریت ابا می ورزد.

پایان